

هادی خسروشاهین، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

جنگ اسرائیل بر خلاف سند امنیت ملی آمریکاست

هر متغیر سیاست خارجی که تاثیری بر متغیرهای داخلی در آمریکا داشته باشد، بلافاصله با واکنش مواجه می‌شود



فاطمه بریمانی

خبرنگار گروه جهان‌شهر

برخلاف تصورها، یک‌سال از جنگ غزه گذشته و رژیم صهیونیستی به هیچ‌کدام از دو هدف اولیه این جنگ یعنی آزادسازی اسرا و نابودی حماس نرسیده است. جنگ نه تنها ادامه یافته که دامنه‌اش وسیع‌تر شده و تنها چند جرقه لازم دارد تا بحرانی بزرگ در غرب آسیا شکل بگیرد. برای دموکرات‌ها که کمتر از یک ماه دیگر تا انتخابات ریاست جمهوری شان فاصله است، گسترش دامنه جنگ می تواند همه چیز را درگرو کند و شانس آنان را برای تصاحب مجدد کاخ سفید به زیر ۵۰ درصد برساند. آنها اگرچه بحاس سرسخت رژیم و جنایتاش اند اما نگرانند که آتش این جنگ، دامان آنها را نیز بگیرد. درباره این نگرانی، با هادی خسروشاهین، کارشناس مسائل آمریکا گفت‌وگو کرده‌ایم. در ادامه متن این گفت‌وگو را می‌خوانید.

□ □ □

در روزهای اخیر، دموکرات‌ها نگران اقدامات نتانیاو در غزه و لبنانند. آنها معتقدند نتانیاو با گسترش جنگ، تبدیل به عامل اژگزار بر انتخابات آمریکا شده و می‌تواند باعث پیروزی جمهوریخواهان در انتخابات شود. بارها در سخنرانی کمپین انتخاباتی جمهوریخواهان به جنگ اوکراین و غزه اشاره شد. پس از وعده صادق ۲ نیز ترامپ تأکید کرد که «رئیس جمهور فعلی حضور فیزیکی ندارد و معاونش هم توان مدیریت و اداره تنش‌ها را ندارد. اگر من بودم، سرنوشت تنش‌های میان رژیم صهیونیستی و ایران گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.» تشدید تنش‌ها در خاورمیانه تا چه میزان می‌تواند بر انتخابات آمریکا تأثیر بگذارد؟ و تأثیر آن چگونه خواهد بود؟

من در ابتدا باید مقدمه‌ای بگویم و بعد به این بحث ورود می‌کنم. برخی تحلیلگران مسائل آمریکا، مطابق با سنت همیشگی در همه ادار انتخابات آمریکا، به این نکته تأکید می‌کنند که شاخص‌ها و مؤلفه‌های داخلی حرف اول و آخر را در مبارزات انتخاباتی در آمریکا مطرح می‌کنند. این در مورد انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ هم صدق می‌کند. اما به نظر من یک‌سری اتفاقات و حوادث در طول یکی دو دهه گذشته در آمریکا رخ داده که افکار عمومی را نسبت به مقوله مسئله سیاست خارجی به دلیل تأثیرگذاری آن روی متغیرها و عناصر داخلی در آمریکا حساس کرده است. در واقع اگر بخواهیم از این زاویه به مسئله نگاه کنیم، نقشی که ایالات متحده آمریکا در پیش بردن یا تقویت فرآیند جهانی شدن به ویژه در حوزه اقتصاد داشت یکی از مصادیق است که بر فضای عمومی و نهایتاً انتخابات تأثیر گذاشت. ایالات متحده در راستای تقویت فرآیند جهانی شدن در عرصه اقتصاد، مرزهای تجاری را باز کرد و تأثیر بسیار زیادی در تأسیس سازمان تجارت جهانی بر همین پایه داشت، چنانکه طبقه متوسط و حتی یقه آبی‌ها و کارگران بدی هم تأثیر اقدامات آمریکا را احساس کردند. این اقدامات منجر به یک بازی نامتوازن به زیان گروه‌های اجتماعی و طبقات اجتماعی در آمریکا شد. به همین ترتیب ما می‌توانیم چنین مسئله‌ای را در مورد سایر حوزه‌ها از جمله در مورد جنگ‌های بی‌پایانی که آمریکایی‌ها در منطقه خاورمیانه انجام دادند هم در نظر بگیریم؛ جنگ‌های منطقه‌ای که با احتساب نرخ بدهی‌ها منجر به یک هزینه‌ای حدود ۱۵ تریلیون دلاری تا سال ۲۰۵۰ خواهند شد. با مصداق دیگر بلند پروازی آمریکا در عرصه سیاست خارجی مسئله ادغام چین در نظام سرمایه‌داری بود. یعنی دموکراتیک کردن چین از طریق ادغام این کشور در نظام جهانی سرمایه‌داری. این ایده بزرگی بود که منجر به تصویب قرارداد کامله‌الولداد در سال ۲۰۰۰ بین چین و آمریکا شد و بالای ۹۰ ستانوار آمریکایی در آن سال به آن رأی دادند. چنین جاه‌طلبی، بلندپروازی و ایده‌های بی‌پشتوانه‌ای که آمریکا ارائه کرده بود منجر به بیکار شدن حدود ۷ میلیون کارگر یقه آبی در ایالات متحده شد.

من اینها را مثال زدم تا بر این مسئله تأکید کنم که امروز هر عنصر و متغیر و هر عرصه سیاست خارجی تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی روی عناصر و متغیرهای داخلی در آمریکا داشته باشد، بلافاصله با واکنش مواجه می‌شود. از این حیث ما شاهد مباحثی جدی میان نخبگان سیاسی تصمیم‌ساز و روشنفکران آمریکاییم که این دغدغه و نگرانی را میان افکار عمومی و توده‌ها

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

نتانیاهو، ترامپ را ترجیح می‌دهد



در سرزمین‌های اشغالی، نتانیاهو چندان بدش نمی‌آید که به جای کامالاهریس، پای دیوانه‌ای چون دونالد ترامپ به کاخ سفید باز شود. امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا معتقد است که در حمایت از رژیم صهیونیستی، فرقی بین دموکرات و جمهوریخواه نیست اما با این حال کابینه راست افراطی رژیم صهیونیستی تمایل دارد جریان راست در آمریکا روی کار بیاید. متن گفت‌وگو با این کارشناس مسائل آمریکا را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

□ □ □

در روزهای اخیر، دموکرات‌ها نگران اقدامات نتانیاو در غزه و لبنانند. آنها معتقدند نتانیاو با گسترش جنگ، تبدیل به عامل اژگزار بر انتخابات آمریکا شده و می‌تواند باعث پیروزی جمهوریخواهان در انتخابات شود. این موضوع حتی به شکلی از زبان بایدن هم مطرح شد و او روز گذشته گفت که «از اینکه نتانیاهو به دنبال تأثیرگذاری روی انتخابات آمریکاست اطلاع‌ی ندارم.» از نظر شما تداوم جنگ می‌تواند چنین اثری روی انتخابات آمریکا داشته باشد؟ و نتانیاهو واقعا به دنبال این اژگزاری برای آمدن ترامپ و فرصت بیشتر برای تداوم جنایت‌هایش است یا نه؟

اول باید بگویم که بایدن هم هرچه در توان داشته، برای کمک به رژیم صهیونیستی انجام داده است. یعنی نباید تصور کنیم که بایدن کوتاهی، تعلل یا تردیدی نسبت به کمک کردن به رژیم صهیونیستی داشته است. حالا جدا از تفاوت دیدگاه بین جریان چپ میانه آمریکا (حزب دموکرات) با راست افراطی رژیم صهیونیستی (کابینه نتانیاهو) آمریکا همه حمایت خود را نسبت به رژیم دارد. در کلیت امر در ایالات متحده چه دموکرات‌ها بر سر قدرت باشند و چه جمهوریخواهان، از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند. اما برای راست افراطی رژیم صهیونیستی که الان نتانیاهو آن را نمایندگی می‌کند، پیروزی جریان راست در آمریکا مطلوب‌تر است. یعنی اگر ترامپ به قدرت برسد، برای راست افراطی رژیم صهیونیستی بهتر است. عملکرد ترامپ در دوران ریاست جمهوری‌اش، تأیید این مسئله را نشان داده است. در آن دوره‌ای که ترامپ رئیس جمهور بود، سفارت آمریکا را

بازنمایی می‌کنند. به‌طور مثال در ماه می، کنفرانسی برگزار شد که بیشتر چهره‌های دست راستی یا آن چه که ماتحت عنوان ترامپست‌ها می‌خوانیم در آن شرکت کرده بودند. همایش عنوان جالبی داشت. عنوان این بود که «چه نوع سیاست خارجی برای طبقه متوسط آمریکایی مناسب است؟» دامنه تأثیرگذاری سیاست خارجی بر افکار عمومی، عناصر و متغیرهای داخلی آن چنان است که حدود ۲ ماه گذشته نظرسنجی منتشر شده توسط شورای شیکاگو نشان می‌داد پایگاه رأی جمهوریخواهان (یعنی ایالت‌هایی که قرومزد همیشه به جمهوریخواهان رأی می‌دهند)، تمایلات‌شان برای مداخله‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا، به شدت کاهش پیدا کرده است. طبق این نظرسنجی پایگاه رأی حزب دموکرات، رغبث بیشتری نسبت به مذاکلات بین‌المللی آمریکا دارد.

جدال بر سر کمک به اوکراین

امروز یکی از مهم‌ترین جنجال‌ها و جدال‌های کنگره بین دو حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات بر سر مسئله اوکراین و کمک‌های ایالات متحده به این کشور است. جمهوریخواهان به دلیل اینکه می‌توانند بخش بزرگی از این کمک‌ها را صرف مسائل داخلی در آمریکاکنند به شدت با این مخالفند. اگر بخواهیم سراغ مسئله جنگ غزه بیاییم، باید بگویم جنگ غزه یک تمایل و تفاوتی را در درون حزب دموکرات ایجاد کرده است که شاید پایگاه رأی‌اش نگاه مثبت‌تری نسبت به جمهوریخواهان در مورد رهبری آمریکا در نظام بین‌الملل دارند. در بخش چپ حزب دموکرات و بخشی از تصمیم‌سازان و حتی دیپلمات‌های آمریکایی که به حزب دموکرات تعلق خاطر دارند سوالات بنیادینی به وجود آمده که فضای فعلی را صورت‌بندی می‌کند. با توجه به نوع عملکردی که نتانیاهو در جنگ یک ساله اخیر داشته، سوالات این است که اگر رژیم صهیونیستی متحد نزدیک آمریکاست، چرا به سمتی می‌رود که مطابق با منافع ملی ایالات متحده آمریکا نیست؟ اگر بخواهیم به‌طور مشخص بگویم که چرا آمریکایی‌ها فکر می‌کنند که بی‌بی (نتانیاهو) درست بر خلاف مسیری که آمریکایی‌ها می‌خواستند، حرکت می‌کند و آمریکایی‌ها را هم به دنبال خودش می‌کشاند، باید به سند امنیت ملی آمریکا اشاره کنیم. در سند امنیت ملی آمریکا که در اکتبر ۲۰۲۲ منتشر شد، شاهد دو کلیت‌وای در مورد مسئله خاورمیانه بوده‌ایم؛ بازدارندگی و تحقق آن در این منطقه براساس سیاست ارعاب و تهدید. یعنی سعی می‌شد که از طریق تهدید به یک تنش مقرر بازیگر یا بازیگران تهاجمی را عقب ببرند تا آن تصمیم‌شان تجدید نظر کنند. اما ایده‌ای که الان نتانیاهو و دولت آن دنبال می‌کند؛ دقیقاً خلاف این است. ایده نتانیاهو این است که اقدامی تهاجمی صورت دهد تا این اقدام منجر به ایجاد نوعی بازدارندگی شود. یعنی از طریق اقدامات تهاجمی سریالی و متناوبی که دارد، به بازدارندگی



ناشی از تهدید برسد؛ چراکه معتقد است حریف یا رقیب در شرایط معمول عقب‌نشینی نمی‌کند.

از دید آمریکایی‌ها این ایده بر خلاف سند امنیت ملی است. یعنی بازدارندگی صرفاً از طریق حاکم بودن فضای تهدید محقق می‌شود. به همین دلیل است که بخشی از پایگاه رأی دموکرات‌ها و نخبگان دموکرات به‌طور جدی این سؤال برایشان مطرح است که آیا این متحد نزدیکی که سیاست خارجی با آن به روابط ویژه واشنگتن و تل آویو شهره است، همچنان متحد ماست یا نیست؟ این سوالات حتی به بدنه بخش نظامی آمریکایی یعنی در پنتاگون هم انتقال پیدا کرده است. حدود سه یا چهار روز پیش نیویورک تایمز گزارشی منتشر کرد که طبق آن «شنیده‌ها حاکی از این بود که در جلسات خصوصی رئیس ستاد مشترک ایالات متحده آمریکا تأکید می‌کند که آیا افزایش تجهیزات و نیروی نظامی آمریکا در منطقه برای پشتیبانی از رژیم صهیونیستی منجر به ایجاد فضای بازدارنده براساس تهدید می‌شود یا مبنایی است برای اینکه خیال نتانیاهو راحت شود و آن را پایه‌ای برای تهاجماتش قرار دهد؟» حتی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا پیشنهاد می‌کند که باید درخصوص استقرار نیرو و تجهیزات در منطقه تجدید نظر کنیم، البته نباید انتظار داشته باشیم که نتیجه این مباحثات دوری یا شاکف ناگهانی در روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی ایجاد کند. به مرور به تدریج باید شاهد تأثیرات آن باشیم.

از طرف دیگر مسئله داستان غزه و جنگ در منطقه، بخشی از رأی دهندگان حزب دموکرات و حتی به بخشی از آرای مردم‌دها در ایالات متحده یا ایالت‌های مردم چرخشمی هم اشاعه پیدا کرده است. ما در آمریکا شاهد آمریکایی‌های مسلمان تباریم که فکر می‌کنند بایدن به شکل بسیار بدی عمل کرده و انتخابات ۵ نوامبر در واقع یک انتخاب بین بد و بدتر است. از همین رو رغبث چندانی برای مشارکت در انتخابات و رأی به سود بایدن ندارند. این مسئله‌ان چنان مهم است که در روزها و هفته‌های اخیر در کمپین کامالاهریس شاهدیم که هریس برای اینکه بتواند اطمینان آمریکایی‌های مسلمان تبار را جلب کند، به جز دیدارهای صورت به صورت مانند دیداری که با شورای آمریکایی‌های مسلمان تبار داشته، در تلاش است که بین خودش و نتانیاهو -نه بین آمریکا و اسرائیل- فاصله‌ای ایجاد کند و تقریباً در تمام صحبت‌ها و سخنرانی‌هایش از مقوله آتش‌بس به جای بحث روابط با نتانیاهو صحبت کرده است. این مسئله به دلیل این است که دموکرات‌ها نگرانند که اگر اتفاقی جدی در حوزه آتش‌بس رخ ندهد و حتی وضعیت بدتر شود، آمریکایی‌های مسلمان تبار به‌طور خاص در میثیگان در انتخابات مشارکت نکنند و فاصله رأی مثلاً ۷۰ هزارتایی به نفع ترامپ تمام شود و ترامپ بتواند رأی اکثرال میثیگان را از آن خود کند.

اگر بخواهم جمع‌بندی کنم باید بگویم ما الان به اتان نشانه روشنی از تأثیرگذاری مستقیم مسئله غزه روی داستان انتخابات با روی نظرسنجی‌ها نداشته‌ایم. به دلیل اینکه در نظرسنجی‌ها اغلب آن چیزی که انعکاس پیدا می‌کند،

در سطح ملی است و سطح ملی هم عموماً مسائل داخلی و شاخص‌های داخلی را شامل می‌شود. اما به نظر می‌آید که کلامقوله و مسئله جنگ از این حیث که تنش‌ها در خاورمیانه آمریکا را در جنگ دخالت می‌دهد و منجر به مصرف منابع آمریکا و مستهلک شدن آن می‌شود، واکنش منفی افکار عمومی به‌طور کلی و به‌طور خاص آمریکایی‌های مسلمان تبار در مورد جنگ غزه را در پی خواهد داشت.

از خاطر نمی‌رود چند ماه پیش که رابرت کندی می‌خواست به نفع ترامپ کناره‌گیری کند و در کمپینش کنار ترامپ حضور پیدا کرد، جمله‌ای خطاب به کسانی که در کمپین بودند، گفت. او گفت که «مردم آمریکا اگر می‌خواهند جنگی رخ ندهد، به ترامپ رأی بدهید.» این نشان‌دهنده میزان حساسیت آمریکایی‌ها نسبت به مقوله جنگ است. علاوه‌بر این جنگ غزه به‌طور خاص و اشاعه تنش‌ها از منطقه غزه و جنگ بین رژیم صهیونیستی با گروه‌ها و بازیگران غیردولتی به ایران و درگیر کردن آن با مسئله می‌تواند تأثیر مستقیمی روی بازارهای انرژی هم داشته باشد که مسلمانا بلافاصله تأثیراتش در قیمت بنزین در آمریکا را شاهد خواهیم بود. قیمت بنزین هم به دلیل مصرف بالایی که در آمریکا دارد، به‌طور حتم تأثیرات خودش را فوراً در انتخابات خواهد گذاشت.

چرا واکنشنگن حاضر نیست جلوی ماجراجویی‌های نتانیاو را بگیرد؟

نکته خیلی مهمی است‌آن‌هم اینکه به هر حال با وجود همه اختلاف‌نظرهایی که بین آمریکا و رژیم صهیونیستی وجود دارد، نباید یک چیزی را فراموش کنیم که دو بازیگر، متحد هم دیگرند و این اتحاد برای آمریکایی‌ها حائز اهمیت است. در شرایط جنگی که الان وجود دارد، حداقل در حوزه اعلائی، آمریکایی‌ها نمی‌خواهند این اختلافات ظهور و بروز پیدا کند و کسی از آن مطلع شود. نکته بعدی این است که جنگ و بحران در خاورمیانه از یک مکانیسمی تبعیت می‌کند که آن مکانیسم، بسیار پویا و شتابان است که حتی آمریکایی‌ها را از مسیر تحولات عقب نگه می‌دارد. به‌طور مثال در ۲ اکتبر گزارش ارزبایی ۶ ماهه مؤسسه خاورمیانه از ماه آوریل تا ماه سپتامبر منتشر شد که برای شاخص‌های مختلف از جمله حمایت از رژیم صهیونیستی نمره داده شده بود. همه این شاخص‌ها سیر نزولی داشتند. یعنی اگر از ماه اکتبر تا ماه آوریل در شش ماه اول، در ارزیابی مؤسسه خاورمیانه اکثریت نمره‌ها در همه شاخص‌ها ۰ یا بود، در شش ماهه دوم، همه به ۰ و ۱ تنزل پیدا کرد. حتی در حوزه حمایت از رژیم صهیونیستی و حوزه ابتکار دیپلماسی که آمریکا برای منطقه خاورمیانه به کار گرفته بود هم همین‌طور بود. این به دلیل همان مکانیسم است که در روابط و نظریه به آن مارپیچ می‌گویند. ایران و رژیم صهیونیستی در یک مارپیچی قرار گرفتند که هر کشیکی با واکنش‌ها را به وجود می‌آورد و ممکن است که تا بی‌نهایت ادامه پیدا کند و نتوان از الان فرجام آن را مشخص و تعیین کرد. به همین دلیل است که هم ایالات متحده از سیر تحولات جام می‌ماند و هم رژیم صهیونیستی بازنمایی‌اش از تهدیدات به‌گونه‌ای است که آمریکا را در بیشتر مواقع مورد مشورت قرار نمی‌دهد. به‌طور مثال پس از به شهادت رساندن سیدحسن نصرالله افشاگری در رسانه‌های آمریکایی رخ داد که ژنرال آستین موقعی از عملیات علیه شهید سیدحسن نصرالله آگاه شد که عملیات در جریان بود. یعنی کالانت پس از عملیات به آستین اطلاع داد. از آن به بعد مکالمه تلفنی یک مکالمه پرحاشیه‌ای می‌شود و آستین به شدت از عملکرد و نوع کار که اسرائیلی‌ها انجام می‌دهند، عصبانی می‌شود. منظورمان این نیست که ایالات متحده علاقه‌مند به حزب‌الله بوده است! منظورمان این است که آمریکایی‌ها فکر می‌کردند اگر سید حسن نصرالله شهید شود، رژیم صهیونیستی از خط قرمز ایران عبور می‌کند و حتماً تنش‌ها تصاعدی خواهد بود و درگیری‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. این اتفاق هم در عمل رخ داد و شاهد تشدید تنش‌ها در منطقه بودیم. بنابراین فکر می‌کنم که ما بتوانیم از یک منظر به ماجرا و این اختلافات نگاه کنیم و آن هم اینکه آمریکایی‌ها نمی‌توانند اسرائیلی‌ها را بگیرند یا آنها را مهار کنند. به عبارت دیگر به نظر می‌آید با وجود اینکه آمریکا خیلی تلاش می‌کند روی دستورکارهای رژیم صهیونیستی تأثیر بگذارد اما مواقعی بازی از دستش در می‌رود.



سه‌شنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۳



شماره ۴۲۴۷



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE